

## Individual and Social Challenges and Obstacles Preventing the Progress of Scientific Jihad based on the Teachings of the Qur'an and Hadiths

Seyyedeh Nisa Hashemian Sigaroudi<sup>1</sup>, Seyyedeh Fatemeh Hashemi<sup>2</sup>, Mohsen Ehteshamiya<sup>3</sup>

### Abstract

Scientific jihad is a determination to direct the path of knowledge and to well educate in order to obtain divine satisfaction and to uphold divine values and double effort by enduring difficulties to discover the unknowns and scientific truths. One way to achieve the goals of scientific jihad is to know the obstacles, challenges and effective impediments which prevent the progress of scientific jihad and then confronting and removing them, which have been studied and explained in religious teachings.

This research has analysed and examined these individual and social challenges and obstacles with descriptive-analytical method using verses and hadiths. Individual challenges can be viewed as unjustified bias in not accepting scientific and reasonable opinions and ideas, prejudging without thinking, scientific pride, individualism, wasting time or being preoccupied with entertainment and trivial matters, procrastination in performing work, and despair after loss and failure. Social challenges can also be viewed as social problems in the context of scientific jihad and self-alienation. Recognizing these challenges and removing obstacles can be an effective step towards the progress, authority and excellence of Islamic societies in achieving scientific self-sufficiency.

**Keywords:** Challenges, Individual Obstacles, Social Obstacles, Scientific Jihad, Unjustified Bias, Self-alienation

1- PhD student of Quran and Hadith Sciences, Islamic Azad University, Tehran, Iran; nh1400@yahoo.com

2- Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Islamic Azad University, Tehran, Iran, (corresponding author), dr.fat.hashemi@gmail.com

3- Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Islamic Azad University, Tehran, Iran, moh.ehteshami\_neya@iauctb.ac.ir





تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۰۴  
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۰۲

20.1001.1.30605644.1403.4.2.6.1  
10.22034/arq.2024.206185

نوع مقاله: علمی پژوهشی

## چالش‌ها و موانع فردی و اجتماعی مؤثر در عدم پیشبرد جهاد علمی بر اساس آموزه‌های قرآنی و احادیث

سیده نساء هاشمیان سیگارودی<sup>۱</sup>  
سیده فاطمه هاشمی<sup>۲</sup>  
محسن احتشامی نیا<sup>۳</sup>

### چکیده

جهاد علمی جهت دادن به علم و علم‌آموزی در راستای کسب رضایت و تعالی ارزش‌های الهی و تلاش مضاعف همراه با تحمل دشواری برای کشف مجهولات و حقایق علمی است یکی از راه‌های پیشبرد اهداف جهاد علمی، آسیب‌شناسی و آفت زدایی، چالش‌ها و موانع مؤثر در عدم پیشبرد آن است که در آموزه‌های دینی به طرح و تبیین آن‌ها پرداخته شده است. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی با بهره‌گیری از آیات و روایات، به تحلیل و بررسی این چالش‌ها و موانع فردی و اجتماعی پرداخته است. چالش‌های فردی را می‌توان تعصب بی‌جا در عدم پذیرش آراء و نظریات علمی و معقول، پیش‌داوری بدون تعمق، غرور علمی، فردگرایی، اتلاف وقت یا سرگرم شدن و تلاش در امور بیهوده، تأخیر در انجام کار، یأس و ناامیدی از شکست دانست. چالش‌های اجتماعی را نیز می‌توان پسران‌های اجتماعی در بستر جهاد علمی و از خودبیگانگی دانست.

۱- دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛ nh1400@yahoo.com

۲- استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)،  
dr.fat.hashemi@gmail.com

۳- استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، moh.ehteshami\_neya@iauctb.ac.ir



This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License.



شناخت این چالش‌ها و مانع‌زدایی از آن‌ها می‌تواند گامی مؤثر در جهت پیشرفت و اقتدار و تعالی جوامع اسلامی در رسیدن به خودکفایی علمی باشد.

**کلیدواژه‌ها:** چالش‌ها، موانع فردی، موانع اجتماعی، جهاد علمی، تعصب بی‌جا، از خودبیگانگی.

## ۱. بیان مسئله

جهاد یک قانون عمومی در عالم آفرینش است و همه موجودات جهان اعم از نباتات و حیوانات به وسیله جهاد موانع را از سر راه خود برمی‌دارند تا بتوانند به کمالات مطلوب خود برسند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۸۰). از طرفی همراهی جهاد و علم، باعث ایجاد انگیزه مضاعف در علم‌آموزی و گسترش علم می‌شود. تلفیق این دو که یک امر ارزشی معنوی است؛ دارای پیامی است که می‌توان جهاد علمی و نیز علم‌جهادی داشت؛ علم‌جهادی و از طرفی جهاد نیز مبارزه برای یک هدف والا و مقدس است که میدان‌هایی دارد از جمله میدان نبرد، علم، سیاست و اخلاق. ملاک در صدق جهاد این است که این حرکتی که انجام می‌گیرد، جهت‌دار و در مواجهه با چالش‌ها و موانعی باشد که همت بر زدودن این موانع گماشته شود. این چالش‌ها و ناهمواری‌ها در فرایند پژوهش علمی گاهی مانع پیشرفت انجام کار می‌شوند و گاهی هم سرعت انجام کار را دشوار و گاهی هم کند می‌کند. برای این مانع‌زدایی نیازمند بررسی، تلاش و تفکر بیشتری است تا هر یک از موانع تبدیل به فرصت شود. «چالش‌ها با فرصت‌ها متفاوت‌اند ولی چالش می‌تواند به فرصت تبدیل شود» (ورنر زد، هیرش و لوک ای وِبر، ۱۳۸۱: ۸۲).

قرار گرفتن در مسیر هر نوع توسعه و پیشرفت من جمله پیشرفت علمی نیازمند برنامه‌های هدایتی است، خداوند متعال این برنامه‌ها را در مسیر تکاملی انسان قرار داده است و انبیاء و اوصیای الهی را نیز مأمور به تبیین این برنامه‌ها نموده است. بهره‌گیری از این برنامه‌های هدایتی قرآن و روایات اختصاص به زمان و مکان و انسان‌هایی با ویژگی خاص ندارد، بلکه هر انسانی این مسیرها را با

تکیه بر خدا طی کند و درصدد کشف مجهولات و حقایق علمی باشد همواره تحت حمایت الهی بوده و بدون هیچ‌گونه ترس و واهمه، از ناهمواری به اوج اقتدار خواهد رسید. انسان هر قدر ماهر و توانمند باشد هیچ‌گاه از تعالیم وحی و روایات ائمه معصومین (علیه‌السلام) بی‌نیاز نیست. هدف در این پژوهش شناخت و بررسی راهکارهای مقابله و مدافعه با چالش‌ها و رفع موانع مؤثر در عدم پیشبرد جهاد علمی با بهره‌گیری از آیات و روایات است. قطعاً این هدف هم‌گام مؤثری در جهت پیشرفت و اقتدار و تعالی و خودکفایی علمی در شاخه‌های مختلف علوم خواهد بود و هم‌رفع موانع فردی و اجتماعی در این مسیر می‌تواند موجب شکوفایی استعدادها گردد. در این راستا شتاب بیشتر دایره علوم و گسترش فتوحات علمی در جهت قدرت و شکوفایی علمی و دانایی در جوامع اسلامی و بلکه در سطح جهانی میسر می‌گردد و موجبات خروج علم از دامن انحصار طلبان علوم را فراهم می‌نماید.

## ۲. مفهوم واژه‌های کلیدی

**جهاد علمی:** الجهد والجهود: به طاقت و سختی گفته شده است. جهاد (به فتح) به معنای مشقت و جهد (به ضم) به معنای تلاش فراوان است و واژه جهاد در مورد انسان استعمال می‌شود. «وَالَّذِينَ لَا يَجِدُونَ إِلَّا جُهْدَهُمْ» (توبه: ۷۹)، «وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ» (نور: ۵۳) یعنی قسم یاد کردند و کوشش نمودند که در بالاترین حد توان خود به آن پایبند باشند (راغب، ۱۳۹۵: ۱۶۲).

این واژه از ترکیبات جدید در ادبیات فارسی و برگرفته از علوم انسانی است که می‌توان گفت به معنای «تلاش همه‌جانبه مخلصانه برای تولید علم» است. در واقع «جهاد علمی»، جهادی عمل کردن در شاخه دانش و دانش‌افزایی است؛ یعنی مبارزه وافر و مضاعف انسان دانا و اندیشمند برای رضای الهی با مانع و دشمن جهل و نادانی که همان هدف بعثت انبیای الهی است. ابزار مبارزه در جهاد علمی، اندیشه و فکر، قلم و سایر امکانات اندیشمندی فرد به‌جای نیزه و شمشیر و یا انواع تسلیحات گرم و سرد امروزی است و این‌همه علم جهادی را می‌طلبد و جهاد علمی به معنای اعم آن یعنی، تلاش وافر و مضاعف همراه

با مشقت، به منظور کسب درجات والای علم و معرفت در راه رضای خدا در جهت سرعت بخشی، پیشرفت و اعتلای جامعه اسلامی است (مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ۱: ۱۷۱).

**چالش:** زمان چندانی نمی‌گذرد که این واژه وارد ادبیات و مباحث علمی و اجتماعی جامعه ایران شده است. در خصوص واژه چالش در فرهنگ‌نامه‌های لغت اختلاف نظرهای متعددی وجود دارد و برای آن معانی متعددی در نظر گرفته شده و مترادفات زیادی را در بر گرفته است. با کمی تأمل در کاربرد این واژه در متون و محاورات، می‌توان به معانی متفاوت و مختلف آن پی برد. هر کدام از معانی چالش بستگی به کاربرد و جایگاه آن در جمله دارد. با توجه به معنی جمله می‌توان به معنی چالش دست پیدا کرد. چون معنی آن در حالات مختلف متغیر است. به کارگیری این واژه اکثراً بار منفی دارد و گاهی حامل بار مثبت به معنای فرصت نیز است. چالش مترادف با «آسیب و بحران» است. (فراتی، ۱۳۸۱: ۵). کاربرد چالش در مقاله حاضر بار منفی دارد و به معنای: «مانع، مُعَصَّل، مشکل، یا بُعْرَج، فراز و نشیب و ناهمواری» است. با توجه به این معنا، برای انجام هرگونه عملی یک سری چالش‌ها و ناهمواری‌هایی در فرایند عمل اعم از علمی و غیرعلمی وجود دارد که مانع پیشرفت در انجام آن عمل است. این چالش‌ها گاهی مانع پیشرفت و کندی سرعت انجام کار می‌شوند. در همین راستا ممکن است چالش‌های متفاوتی در مسیر پیشبرد اهداف جهاد علمی قرار گیرد که مانع پیشرفت باشد. برای این مانع زدایی نیازمند بررسی و تلاش و تفکر بیشتری است تا هر یک از آن‌ها تبدیل به فرصت بشود. چالش‌ها با فرصت‌ها متفاوت‌اند. ولی چالش می‌تواند به فرصت تبدیل شود (هیرش و لوک ای وِبر، ترجمه یوسفیان املشی، ۱۳۸۱: ۸۲).

**موانع:** جمع «منع» المَنَع: بازداشتن که در مقابل عطیه و بخشیدن قرار دارد. گفته می‌شود: رَجُلٌ مَانِعٌ وَمَتَاعٌ يَعْنِي بَخِيلٌ مَنَاعٌ لِلْخَيْرِ. در مورد پرهیز دادن نیز استعمال می‌شود: «مَا مَنَعَكَ إِلَّا تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ؟» (اعراف: ۱۲) چه چیز مانع تو شد که وقتی به تو فرمان دادم سجده نکردی؟ (راغب، ۱۳۹۵: ۷۴۷) آنچه مانع

سجده شیطان شد قائل شدن بر ائیت خود بود او با تکیه بر ذات خود نتوانست معبود مافوق خود را مشاهده کند. موانع عواملی هستند مزاحم و موجبات تأخیر در انجام عمل را فراهم می‌کنند. اعم از فردی و اجتماعی که در این مقاله به بررسی آن‌ها پرداخته خواهد شد.

### ۳. روش پژوهش

چالش‌ها و موانع و راهکارهای برون‌رفت، از طریق فیش‌برداری از آیات قرآن و احادیث مرتبط با موانع به روش کتابخانه‌ای مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت. ابتدا آیات و روایات (ائمه معصومین علیهم‌السلام) موجود در کتب روایی خصوصاً نهج البلاغه، غرر الحکم درر الکلم و الکافی که شاخص‌های مورد بحث در آن‌ها به صورت مستقیم یا غیرمستقیم قابل استخراج بوده، جمع‌آوری و با توجه به مفاهیم مربوط به چالش‌ها بررسی گردید تا از این طریق بتوان راه وصول به ابزارهای مادی و معنوی در پیشبرد جهاد علمی را نه تنها تسهیل بلکه شتاب و تسریع بخشید. هرچند در بعضی از آیات و احادیث موانع و چالش‌های مربوط به پیشبرد جهاد علمی به وضوح و تصریحاً تقریر و تبیین نشده بود؛ اما با تفحص و کنکاش در جامع‌التفاسیر قرآن کریم و کتب حدیثی شیعی این مقصود و غایت حاصل گردید. آیات مندرج در مقاله متناسب با عنوان بخش مربوطه و عناوین بخش‌های فرعی با کلیدواژه همان موضوع انتخاب شده است. روایات نیز بر همین منوال از میان روایات متعدد، نزدیک‌ترین روایت به شاخصه‌های مورد بحث انتخاب گردیده است.

### ۴. پیشینه پژوهش

بر اساس مطالعات مروری و جستجو در مراکز علمی ایران تاکنون به‌طور مشخص و مستقل در زمینه چالش‌ها و موانع فردی و اجتماعی مؤثر در عدم پیشبرد جهاد علمی بر اساس آموزه‌های قرآنی و روایی پژوهشی منسجم و نو یافت نگردید. هرچند پژوهش و بررسی چند شاخص در خصوص جهاد علمی در برخی آثار تدوین شده است که می‌تواند به‌عنوان پیشینه بحث تلقی شده و

مورد استفاده قرار گیرند. نمونه‌ای از پیشینه بحث عبارت‌اند از: «جهاد علمی از منظر قرآن و بیانیه گام دوم انقلاب»، رضایی اصفهانی و رستم‌نژاد در دو فصلنامه علمی قرآن و علم (۱۴۰۰) که به تبیین مبانی، اصول، اهداف، لوازم و پیامدهای جهاد علمی مبتنی بر قرآن پرداخته‌اند. «اقتدار علمی در اندیشه سیاسی اسلام» ساجدی، نعمتی و عرفانی‌راد در مطالعات انقلاب اسلامی (۱۳۹۳) که به تبیین فرآیند جهاد علمی، بررسی جایگاه و زیرساخت‌های اقتدار علمی در اندیشه سیاسی اسلام پرداخته‌اند. «جهاد علمی در دانشگاه تراز انقلاب اسلامی از دیدگاه قرآن کریم با تأکید بر تفسیر المیزان»، هاشمی خانعباسی و نوروز ولاشیدی در مطالعات قرآنی (۱۳۹۶) که با توجه به تفسیر المیزان به چگونگی تأثیرات فردی و اجتماعی جهاد علمی پرداخته‌اند.

«شناخت عوامل سازنده جهاد علمی منجر به استحکام ساخت درونی قدرت ملی» کیان‌خواه و ساری، در فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات بین‌رشته‌ای دانش‌راهبردی (۱۳۹۷) بر اساس قرآن و روایات و منابع معتبر، عوامل سازنده جهاد علمی برای استحکام ساخت درونی قدرت ملی را مورد بررسی قرار داده و عوامل را بر اساس علل فاعلی، صوری و مادی مندرج کرده‌اند.

## ۵. اهمیت جهاد علمی و ارتباط چالش‌ها با آن

در آموزه‌های دینی ارزش کار علمی مجاهد علمی نسبت به مجاهد عملی در کارزار با دشمن در اولویت قرار دارد و از آن‌ها به ترتیب تحت عنوان «جهاد کبیر و جهاد صغیر» یاد می‌شود. اولی جان و کمالات انسانی را نشانه می‌گیرد دومی جسم و فیزیک انسان را. سلاح اولی آلات مخرب است و سلاح دومی معرفت و دانایی (قرآن). مجاهد تا در دایره معرفت طی طریق نکند قادر به مقابله با دشمن خارجی نخواهد بود. شکست مسلمانان در جنگ اُحُد با وجود فرماندهی مستقیم شخص پیامبر (صلی‌الله‌علیه و اله) مصداق بارز این مدعا است. مجاهدان از فرمان فرمانده اجتناب ورزیدند و برای لحظه‌ای حب به مال دنیا در دیدگان مجاهدان جلوه‌گری کرد و به فکر جمع‌آوری غنائم شدند.

ظهور این دو چالش در میان لشکریان اسلام شکست تاریخی را به دنبال داشت. هر چند سرمایه اولیه مبارزه در جهاد اکبر «ایمان» است؛ اما مخرج مشترک هر دو گروه از مجاهدان، اخلاص و عمل در سایه ایمان به خداوند است. هر دو در تلاش مضاعف و خالصانه و برای رضای الهی درصدد حذف مانع هستند این مانع ممکن است دشمن ظاهری باشد یا مانعی که بر سر راه کشف یک حقیقت علمی باشد. به همان اندازه که قتال با دشمن و از میان بردن متجاوز مورد مرضی الهی است، مانع زدایی و جهل زدایی نیز رضایت الهی را به دنبال دارد. راه پیروزی نهائی و کامل جامعه اسلامی، تنها از راه تلاش طاقت فرسا و مجاهدت‌های سرسختانه در همه‌ی اشکالش با اعتماد و اطمینان قلبی به خدا، ایمان به خود و باور به توانمندی‌های خود و باور قلبی به قدرت ملی میسر است. به‌طور کلی مجاهدت‌های علمی و عملی، نظامی درگرو ایمان به خداوند تبارک و تعالی است. ائمه معصومین (علیهم‌السلام) به جهاد علمی (جهاد کبیر) اهمیت خاص قائل‌اند. امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) فرمود: «الشَّاهِدُ فِي طَلَبِ الْعِلْمِ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَكَمْ مِنْ مُؤْمِنٍ يَخْرُجُ مِنْ مَنْزِلِهِ فِي طَلَبِ الْعِلْمِ فَلَا يَرْجِعُ إِلَّا مَغْفُورًا» (مجلسی ۱۴۰۳، ق، ۱:۱۷۹) سفر کننده در جستجوی دانش، مانند جهاد کننده در راه خداست. دانش‌آموختگی بر هر فرد مسلمانی واجب است؛ و هنگامی طالب دانش از منزلش خارج می‌شود بر نمی‌گردد مگر این‌که بخشیده شده باشد. در این روایت شخصی را که برای به دست آوردن دانش تلاش کند همسان کسی قرار داده که در راه خداوند به جهاد مشغول باشد. علی‌رغم اهمیت جهاد علمی و مدح و تمجید از علماء و جایگاه مجاهدین علم در قرآن و روایات، هیچ‌گاه از خطر گرفتار شدن در دام امیال درونی و انواع رذایل اخلاقی از قبیل جاه‌طلبی‌ها، منیت و خودبرتربینی، غرور و از خودبیگانگی فرهنگی در امان نبوده و هر آن در کمین خسران‌اند. «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ». از این منظر دین اسلام برای مبارزه و پیشگیری از خسران انسان برنامه ارائه داده است؛ که ذیلاً به بررسی چالش‌ها اعم از فردی و اجتماعی پرداخته می‌شود.

## ۶. بخش اول: چالش‌ها و موانع فردی مؤثر در عدم پیشبرد جهاد علمی

### ۶-۱. تعصب بی جا در عدم پذیرش آراء و نظریات علمی و معقول

تعصب از ماده «عَصَبَ» العَصَبُ پیوندهای مفصل (راغب، ۱۳۵۹: ۵۳۶) در اصطلاح، «تعصب» جانب‌داری کردن از کسی یا از طریقه و مذهبی یا به معنای حمایت و یاری کردن به چیزی، دل‌بسته و مقید بودن و سخت دفاع کردن از چیزی آمده است. تعصب گاهی به‌جا و گاهی هم نا به‌جا است. تعصب نا به‌جا سد عظیمی است که در مسیر حرکت مجاهد علمی قرار دارد. اگر روح پژوهشگر از نظر شخصیتی، رنگ و بوی خاصی داشته باشد قادر نخواهد بود حقایق را آن‌طور که هست ببیند، بلکه مطابق با همان رنگ و بو که در وجودش نهفته است می‌نگرد. این نوع تعصب نوعی وابستگی غیرمنطقی است که حقیقت را فدای آن می‌کند و مانع از هرگونه پیشرفت از جمله پیشرفت علمی خواهد بود. تعصب هر نوع وابستگی شدید فکری و علمی را شامل می‌شود. گاهی وابستگی‌های مثبت را نیز دربر می‌گیرد مانند تعصب نسبت به انواع حلال‌ها و حرام‌ها. به‌طورکلی اثرات منفی و زیان‌بار این رذیله اخلاقی در صفحات تاریخ بشریت فراوان به چشم می‌خورد. چه بسا اگر این رذیله اخلاقی در جوامع بشری حکم‌فرما نبود، تاریخ بشریت چهره دیگری داشت و پیشرفت تکاملی تمدن‌ها شتاب بیشتری پیدا می‌کرد و نیروهای خلاق در مسیر سعادت انسان به کار گرفته می‌شدند.

اگر تعصب و وابستگی نسبت به امور مثبت همچون دین، آیین و مذهب از روی علم و آگاهی باشد به آن تعصب مثبت و ممدوح گفته می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۲: ۲۲۲)؛ اما برعکس مؤکدات دینی در اکثر مواقع انسان‌ها دچار تعصب مدموم می‌شوند. این نوع تعصب به‌جای آن که پل پیشرفت باشد تبدیل به مانع و بحران در موفقیت می‌گردد. در طول تاریخ بشریت همیشه مهم‌ترین مانع در برابر فرمان‌های الهی تعصب و تقلید کورکورانه‌ای بود که ریشه در جهل و نادانی داشته است مانند زنده‌به‌گور کردن دختران در اعراب جاهلی. در سوره مختلف قرآن از این نوع تعصبات که ریشه در تقلید کورکورانه از گذشتگان دارد فراوان دیده می‌شود. هنگامی که ابراهیم

نبی (علیه‌السلام) با دلیل بسیار روشن و قاطع، بت‌پرستی را نفی می‌کند در برابر تعصبات آن‌ها که ریشه در گذشتگان‌شان داشت ایستادگی می‌کند و از منطق خودشان علیه خودشان بهره می‌گیرد و به آن‌ها می‌گوید: «قَالَ هَلْ يَسْمَعُونَكُمْ إِذْ تَدْعُونَ» (الشعرا: ۷۲)؛ گفت آیا وقتی دعا می‌کنید از شما می‌شنوند؟ «أَوْ يَنْفَعُونَكُمْ أَوْ يَضُرُّونَ» (الشعرا: ۷۳)؛ یا به شما سود یا زیان می‌رسانند؟ آن‌ها هیچ پاسخ منطقی در مقابل سخن منطقی حضرت ابراهیم (علیه‌السلام) نمی‌دهند و کورکورانه پاسخ می‌دهند: «قَالُوا بَلْ وَجَدْنَا آبَاءَنَا كَذَلِكَ يَفْعَلُونَ» (الشعرا: ۷۴)؛ بت‌پرستان گفتند: نه بلکه پدران خویش را دیده‌ایم که چنین می‌کرده‌اند.

اثرات منفی و زیان‌بار این رذیله اخلاقی در صفحات تاریخ بشریت فراوان دیده می‌شود. تبعیت از این رذیله اخلاقی پیامبران الهی را با مشکل‌ترین مواع روبه‌رو ساخته و برای مبارزه با این خصیصه خون‌های زیادی بر خاک ریخته شده است. چه‌بسا اگر این رذیله اخلاقی در جوامع بشری حکم‌فرما نبود، تاریخ بشریت چهره دیگری داشت و پیشرفت تکامل تمدن‌ها شتاب دیگری پیدا می‌کرد و نیروهای خلاق در مسیر سعادت انسان به کار گرفته می‌شد. چنان‌که امام علی (علیه‌السلام) در خصوص تعصب مثبت تأکید نموده و می‌فرماید: «فَإِنْ كَانَ لَابَدًا مِنَ الْعَصْبِيَّةِ فَلْيَكُنْ تَعَصُّبُكُمْ لِمَكَارِمِ الْخِصَالِ وَمَحَامِدِ الْأَفْعَالِ وَمَحَاسِنِ الْأُمُورِ» (رضی، ۱۳۷۹: ۲۲۹، خ ۱۹۲)؛ اگر قرار هست تعصبی داشته باشید این تعصب شما به خاطر اخلاق پسندیده، افعال نیکوکارهای خوب باشد. همچنین در خطبه قاصعه از نهج‌البلاغه اشاره می‌فرماید: «فَأَطْفِنُوا مَا كَمَنَّ فِي قُلُوبِكُمْ مِنْ نِيرَانِ الْعَصْبِيَّةِ وَأَحْقَادِ الْجَاهِلِيَّةِ، فَإِنَّمَا تِلْكَ الْحَمِيَّةُ تَكُونُ فِي الْمُسْلِمِ مِنْ خَطَرَاتِ الشَّيْطَانِ وَنَحْوَاتِهِ وَنَزَغَاتِهِ وَنَفَثَاتِهِ وَاعْتَمِدُوا وَضَعَ التَّدْلِيلِ عَلَى رُؤُوسِكُمْ وَالْقَاءَ التَّعَزُّزِ تَحْتَ أَقْدَامِكُمْ وَخَلْعِ التَّكْبُرِ مِنْ أَعْنَاقِكُمْ وَاتَّخِذُوا التَّوَاضُعَ مَسْلَحَةً بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ عَدُوِّكُمْ إِبْلِيسَ» (رضی، ۱۳۷۹: ۲۲۹، خ ۱۹۲)؛ پس آتش‌های عصبیت و کینه‌های جاهلیت را که در دل‌هایتان نهفته است خاموش کنید، زیرا که این نخوت و غرور در وجود شخص مسلمان از تلقینات و نخوت‌ها و فسادها و وسوسه‌های شیطان است. تاج فروتنی بر سر نهید و گردن‌فرازی را زیر پایتان فکنید و

گردنبند تکبر را از گردن خویش بازکنید و فروتنی و افتادگی را (همچون) پاسگاه مرزی میان خود و دشمنان شیطان قرار دهید.

از آیات و احادیث فوق که به طور مستقیم و شفاف این رذیله اخلاقی را تبیین نموده، به خوبی روشن است که ایستادگی سرسختانه برای طرفداری از این خصیصه نامطلوب نه تنها پسندیده نیست بلکه در زمره موارد مذموم و نکوهیده به شمار می‌رود. از مهم‌ترین راه‌های مقابله با تعصب یک مجاهد علمی در جهت پیشبرد جهاد علمی می‌توان به عوامل زیر اشاره نمود:

الف) شناخت کافی و وافی نسبت به آموزه‌های دینی و اعتماد و اطمینان قلبی کامل نسبت به فرمان‌های الهی. ب) پردازش و بازنگری فردی عالم مجاهد در خلق و خوی و نفس خویش در زمینه تعصب و عوامل تعصب برانگیز. ج) توجه به عدم توأسی و تأثیرپذیری از رسانه، محیط اطراف و باورهای دیگران خصوصاً گذشتگان. د) تعمیم بخشی زاویه دید نسبت به مسائل علمی و امورات مورد پژوهش. ذ) تقویت حس تعهد و مسئولیت‌پذیری در قبال موضوع مورد تحقیق و تفحص. ر) توجه و عبرت‌آموزی از عدم موفقیت محققین متخلق به تعصب مذموم.

## ۶-۲. پیش‌داوری‌های بدون تعمق در یافته‌های علمی

پیش‌داوری، اندیشه یا احساس مخصوص در مورد یک انسان یا یک موضوع علمی یک یا جریان فکری است که قبل از جمع‌آوری اطلاعات و تحقیقات لازم شکل می‌گیرد. در پیش‌داوری قضاوت‌ها بر خواسته از واقعیات نبوده و در بسیاری از موارد منشأ شکل‌گیری انحراف‌های علمی یا مذهبی در نوع استنباط و فهم آموزه‌های دینی و نظریات علمی است. این منشأ فکری از قدیم‌الایام بین دانشمندان و محققان متداول بوده است. امروزه دانشمندان غربی در زمینه‌های مختلف علوم یافته‌های علمی خود را بر روایات ائمه معصومین (علیه‌السلام) تحمیل و برداشت‌ها و تئوری‌های جدید علمی خویش را بر احادیث ارجح می‌پندارند که از معضلات حدیث‌شناسان در عصر حاضر است. ابن جوزی بر طبق باور خویش به راحتی حدیث تقدم اسلام ابوبکر را هرچند سندش ضعیف باشد، می‌پذیرد و حدیث تقدم اسلام علی (علیه‌السلام) را مردود می‌داند

و برایش فرق نمی‌کند، کدام تعدد طرق دارد و سند کدام صحیح‌تر است؛ درحالی که طبق شواهد تاریخی و روایات فراوان حدیث تقدّم اسلام امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) توسط راویان موثق با چند طریق نقل کرده‌اند (حاکم نیشابوری، بی‌تا، ۳: ۱۳۳).

شهید مطهری در کتاب ده گفتار آورده است: اگر کسی فتوهای فقها را با یکدیگر مقایسه کند و ضمناً به احوال شخصیه و طرز تفکر آنها در مسائل زندگی توجه کند، می‌بیند که چگونه سوابق ذهنی یک فقیه و اطلاعات خارجی او از دنیای خارج، در فتوایش تأثیر دارد، به طوری که فتوای عرب بوی عرب و فتوای عجم بوی عجم (مطهری، ۱۳۶۸: ۱۲۲).

قرآن و روایات ائمه معصومین (علیه‌السلام) هرگونه اظهارنظر و موضع‌گیری‌های شتاب‌زده بر اساس هرگونه پیش‌داوری‌ها را مورد نکوهش قرار داده است. مهم‌ترین مصادیق آشکار از پدیده پیش‌داوری بدون تعمق در قرآن مربوط به قوم نوح (علیه‌السلام) است، خداوند در سوره شعرا فرمود: «قَالُوا أَلَمْ نَكُنْ لَكَ وَاتَّبَعَكَ الْأَرْذَالُونَ» (الشعرا: ۱۱۱)؛ کافران گفتند: چگونه به تو ایمان بیاوریم درحالی که فرومایگان پیرویات کرده‌اند. برخی گویند: منظور مستمندان و تهیدستان است. می‌خواهند بگویند: اطرافیان و پیروان تو افراد پست و زبون هستند و اگر ما به تو ایمان آوریم در ردیف آنها قرار می‌گیریم. بدیهی است که این سخن حاکی از جهل ایشان است (طبرسی، ۱۳۵۸، ۱: ۳۹).

همچنین قوم هود چنین ذهنیتی داشتند که پیامبران چون به خزائن الهی دسترسی داشته‌اند، پس باید از قدرت مطلق برخوردار باشند تا هر کاری می‌خواهند بتوانند انجام دهند، حتی بر جهان غیب آگاه باشند: «وَلَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا أَقُولُ إِنِّي مَلَكٌ وَلَا أَقُولُ لِلَّذِينَ تَزْدَرِي أَعْيُنُكُمْ لَنْ يُؤْتِيَهُمُ اللَّهُ خَيْرًا» (هود: ۳۱)؛ و به شما نمی‌گویم که گنجینه‌های خدا پیش من است و غیب نمی‌دانم و نمی‌گویم که من فرشته‌ام و درباره کسانی که دیدگان شما به خواری در آنان می‌نگرد، نمی‌گویم خدا هرگز خیرشان نمی‌دهد. خلاصه کلام این که من ادعای داشتن هیچ‌یک از آن چیزهایی که به نظر شما فضل است را نکرده‌ام تا شما تکذیب کرده و

بگویند که تو هیچ‌یک از این فضل‌ها را نداری و در ادعایت دروغ‌گویی (طباطبایی، ۱۳۶۶، ۱۰:۳۱۲).

امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) فرمود: «لَوْ أَنَّ الْعِبَادَ حِينَ جَهَلُوا وَقَفُوا لَمْ يَكْفُرُوا، وَلَمْ يَضِلُّوا» (غررالحکم: ح ۷۸۸۲)؛ اگر بندگان، به گاه ندانستن، از اظهار نظریاز می‌ایستادند، کافر و گمراه نمی‌شدند.

از مهم‌ترین مصادیق در بین دانشمندان نظریات ارسطو است. او معتقد بود اگر دو جسم با وزن‌های مختلف به‌طور آزاد سقوط کنند جسم سنگین‌تر زودتر به زمین خواهد رسید. مردم این عقیده را به‌عنوان واقعیتی غیرقابل‌انکار پذیرفته بودند؛ اما گالیله به‌شدت مخالف این نظریه بود. درنهایت او با انجام یک آزمایش عملی توسط پرتاب هم‌زمان دو گلوله توپ با وزن‌های متفاوت از بالای برج پیزا ثابت کرد که نظریه ارسطو اشتباه بوده است؛ زیرا این دو جسم با وزن مختلف هم‌زمان به زمین می‌رسند و یا مخالف محاکمه اسقف‌ها و معلمین مذهبی کلیسای کاتولیک رُم با نظریه علمی گالیله مبنی بر این که زمین مرکز عالم نیست، بلکه تنها سیاره‌ای است که به دور خورشید می‌چرخد، تفسیری بر این مدعا است (وایت، ۱۳۷۷، ۶: ۳، ۳۰)؛ ازاین‌رو مجاهد پژوهشگر جهت پیشرفت در جهاد علمی الف) علاوه بر شناخت و اخذ اطلاعات کافی از منابع مورد اعتماد، بر اساس فرضیه‌های صحیح علمی بر کرسی قضاوت بنشیند. ب) از شتاب‌زدگی و عجله در پذیرش یا رد مسئله علمی امتناع ورزد. ج) به تقویت حس بی‌طرفی نسبت به مسائلی که از آن‌ها آگاهی ندارد کوشا باشد. د) با مدارا نمودن تفاوت‌ها در باورهای دیگران تلاش نماید تا از این طریق بر مقابله با این چالش علمی فائق گردد.

### ۶-۳. غرور علمی

«غرور» ازجمله رذایل اخلاقی است که در میان مشاهیر علمی متداول و ازجمله صفات مذموم شناخته‌شده است. این صفت رذیله فاصله بین عالم با محیط علمی را میسر می‌سازد و اگر استمرار یابد به‌صورت یک بیماری مسری به جامعه‌ستایی و گروه‌ستایی مبدل خواهد گشت که به‌خودی‌خود منبع ظهور «آپارتاید و تبعیض نژادی» خواهد شد. ازاین‌رو قرآن و روایات معصومین

علیه‌السلام) خودستایی فردی را تحریم نموده تا به نژادپرستی منجر نگردد. درحالی که علم واقعی آن است که هر چه انسان باسوادتر باشد تقوایش بیشتر شود. «إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ» (فاطر: ۲۸)؛ هرآینه از میان بندگان خدا تنها دانشمندان از او می‌ترسند. ازجمله مضراتی که غرور علمی به دنبال دارد عبارت‌اند از:

**عدم پذیرش سخنان رقیب:** غرور علمی عالم مدعی به علم موجب می‌شود سخن حق رقیب را نپذیرد و همه تلاش و کوشش را در ابطال سخن حق رقیب صرف کند و هنگامی که نتوانست آن را ابطال کند به توجیه سخن خویش برمی‌آید. درواقع او با خودش بازی کرده و به دنیا و لهو و لعب تن در داده است (جوادی آملی، ۱۳۷۷: ۵۰). «أَنْظُرُ إِلَى مَا قَالَ، وَلَا تَنْظُرُ إِلَيَّ مَنْ قَالَ»؛ به گفته بنگر نه به گوینده، از معروف‌ترین فرمایشات امیرالمؤمنین است. در مسائل علمی لازم نیست به گوینده توجه شود، بلکه به گفته و گفتار توجه شود؛ اما در مسائل سیاسی و اجتماعی و اعتقادی باید به گفتار و گفته تنها اکتفا نکنید، بلکه به گوینده آن نیز توجه کنید؛ زیرا گوینده حتی اگر راست بگوید ممکن است مقاصد بدی را مدنظر قرار داشته باشد.

**خودبرترینی:** رسوخ غرور علمی در خانه دل یک دانش‌آموخته منجر به خودخواهی و خودپسندی و خودبرترینی شده و از تلمذ و تعلیم و حکمت‌آموزی دیگران اعراض می‌نماید. چنین محقق، خود را از مشورت با دیگران هم بی‌نیاز می‌بیند. اهل سؤال نیست و حاضر نیست برای خود بالادستی تصور نماید. درحالی که خداوند ضمن این که نسبت به اعمال مؤمنین و دانشمندان آگاهی دارد عالمان را صاحب درجات بالاتر می‌داند. آنجا که فرمود: «يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ» (مجادله: ۱۱)؛ خدای تعالی مؤمنین را به یک درجه و علم داده شدگان را به چند درجه برتری داده و خدا بدان چه می‌کنید با خبر است.

در این معنا هیچ تردیدی نیست که لازمه ترفیع خدا درجه بنده‌ای از بندگانش را باعث زیادتر شدن قرب او به خدای تعالی است و این خود قرینه و شاهدی است عقلی بر این که مراد از افرادی که موهبت علم داده‌اند، علمایی از مؤمنین

است؛ بنابراین، آیه شریفه دلالت می‌کند بر این که مؤمنین دو طایفه هستند، یکی آن‌هایی که تنها مؤمن‌اند، دوم آن‌هایی که هم مؤمن‌اند و هم عالم و طایفه دوم بر طایفه اول برتری دارند، هم چنان که در جای دیگر فرموده: «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ؟» (زمر: ۹) بگو آیا آن‌ها که می‌دانند و آن‌ها که نمی‌دانند یکسان‌اند (طباطبایی، ۱۳۶۶: ۳۸۸) زمخشری در ذیل «دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ» آورده بین عالم و عابد یک‌صد درجه فاصله هست و بین هر دو درجه به اندازه هفتاد پیمایش اسب پرورش یافته فاصله وجود دارد (زمخشری، ۱۳۸۹: ۶۰۰).

**فخر فروشی:** جلوة دیگر غرور علمی، تفاخر نسبت به دیگران است. خداوند در سوره مبارکه لقمان اشاره به این امر دارد: «وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ» (لقمان: ۱۸)؛ متکبرانه روی از مردم برمگردان و در زمین با ناز و غرور راه مرو، همانا خدا هیچ خودپسند فخر فروش را دوست ندارد البته عوامل متعددی در شکل‌گیری روحیه تفاخر طلبی نقش دارد که غرور علمی یکی از آن عوامل است. کسی که با فراگیری مشتی از اصطلاحات علمی، متوقع است همگان در برابر مقام علمی او خاضع باشند و سر فرود آورند و او را بر صدر نشاندند، دچار آفت‌زدگی علمی شده، این حالت، به مرور قوت می‌گیرد و جزء بافت شخصیتی انسان می‌گردد و آنگاه است که شخص دچار توهم شده و کار به دست او می‌دهد. این است که کسی خود را دانای همه‌فن‌حریف بداند و در همه عرصه‌ها خود را کارشناس و متخصص پندارد، از همان قماش افراد است که دچار «تورم شخصیت» هستند (فیض کاشانی، ۱۴۱۷، ق، ۱: ۱۴۷).

غرور علمی ریشه در فقر علمی دارد. قدرت و ثروت زیاد و علم هر دو برای انسان غرورآفرین است. غرور از ثروت به علت کثرت آن است، درحالی که غرور از علم به علت قلت آن ظهور می‌کند. «روح علمی»؛ یعنی روح حقیقت‌یاب. روحی بی‌غرض و طبعاً روح بی‌تعصب، روح خالی از جمود و خالی از غرور. حضرت علی (علیه‌السلام) فرمودند: «رُبَّ عَالِمٍ قَدْ قَتَلَهُ جَهْلُهُ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ۷۸: ۸۰).

لذا رسولُ الله (صلی الله علیه و آله) به ابوذر وصیت می‌کند: «یا اَبَاذَرٍّ، إِذَا سَأَلْتَ عَنِ عِلْمٍ لَا تَعْلَمُهُ فَقُلْ: لَا أَعْلَمُهُ تَنْجُ مِنَ تَبِعْتِهِ وَلَا تُفْتِ النَّاسَ بِمَا لَا عِلْمَ لَكَ بِهِ تَنْجُ مِنَ عَذَابِ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ۷: ۲۸۵)؛ ای ابوذر! اگر درباره چیزی از تو سؤال شد که نمی‌دانی، بگو: نمی‌دانم تا از پیامدهای آن خلاص شوی و درباره آنچه نمی‌دانی فتوا مده تا از عذاب خدا در روز قیامت نجات‌یابی.

مجاهد علمی پیوسته باید مشغول نقد و ارزیابی دقیق و بی‌گذشت خویش باشد. مبادا امر بر خود مشتبه شود و خود را مصون و مبرا از هر عیب پندارد. باینکه آفت‌های علمی در بسیاری از صاحبان دانش وجود دارد، ولی کمتر کسی است که به نقص و کاستی و جهل خویش اعتراف کند.

## ۶-۴. فردگرایی

فردگرایی یا اصالت فردی یک تئوری در نظام «لیبرال- سرمایه‌داری» است که گستره معنایی فراوانی را در برمی‌گیرد. طبق این نظریه فردگرایی یک نظریه و ایدئولوژی اجتماعی است که ارزش بالاتری را برای فرد در قبال اجتماع قائل شده است. تا حدی که در فرهنگ اقتصاد سیاسی مخالف جمع‌گرایی یا اصالت جمع یا جامعه و در اصطلاح امروزی «سوسیالیسم» است؛ اما با توجه به آیات قرآن سهم فرد و جامعه هر یک به‌طور فراوانی در نظر گرفته‌شده است. این نگاه، انسان را از چشم‌اندازهای افراطی دور می‌کند.

در این نگاه هم فرد نسبت به جامعه علمی نقش ایفا می‌کند و هم جامعه علمی وظایفی را نسبت به افراد عهده‌دار است. قرآن، حق را آمیخته‌ای از هر دو ویژگی فردی و اجتماعی می‌داند؛ از این رو، نه فرد می‌تواند از تأثیرات زندگی علمی و اجتماعی خارج شود و آن را نادیده بگیرد و نه جامعه علمی می‌تواند بی‌توجه از عناصر خود باشد، ضمن این که آموزه‌های دینی بر فعالیت جمعی برای رسیدن به نتیجه مطلوب، تأکید زیادی دارند و به انجام کارهای جمعی در موارد گوناگون، خواه در مسائل اقتصادی و خواه در مسائل فرهنگی و علمی را، توصیه نموده است. نمونه‌ای از کار جمعی در سوره یس کاملاً مشهود است. خداوند فرمود: «إِذْ أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ اثْنَيْنِ فَكَذَّبُوهُمَا فَعَزَّزْنَا بِثَالِثٍ» (یس: ۱۴) آن زمان

که ما دو نفر از رسولان را به سوی ایشان گسیل. داشتیم و آن دو را تکذیب کردند پس به وسیله رسول سومی آن دو رسول را تقویت کردیم. از این آیه شریفه چنین حاصل می شود که ایجاد گروه های هم فکر و همکار باعث ارتقاء همت، تلاش و اراده جمعی برای انسجام کارها و فعالیت های بزرگ تر می شود و مضافاً بر این که این گونه فعالیت های جمعی در لابه لای خود نیروهای متخصص بهتری را تربیت خواهد کرد و افراد تربیت شده و باتجربه، در خود احساس اعتماد به نفس بیش تری خواهند کرد؛ بدین صورت که فرد تنها به خودش متعلق نیست، بلکه می تواند با مشارکت و همکاری در امور، به دیگران هم تعلق داشته باشد. آموزه های دینی به همه نیازهای بشر توجه کرده است، به ویژه در ابواب اقتصادی فقه، نشان دهنده اهمیت کار و فعالیت گروهی در جذب سرمایه ها و نیروی انسانی است که می تواند انگیزه خوبی برای جامعه در ترویج فرهنگ، کار و فعالیت جمعی باشد. خداوند به طور شفاف به تعاون فرمان می دهد می فرماید: «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى» (المائده: ۲)؛ یکدیگر را در کار نیک و در تقوا یاری کنید؛ یعنی فکرها یاران را روی هم بریزید و اندیشه های خودتان را متمرکز کنید تا برکت کارتان بیشتر شود. بالطبع پژوهش علمی از این قاعده مستثنا نیست.

در قسمتی از خطبه دویست شانزده امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) به این موضوع اشاره شده: «مِنْ وَاجِبِ حُقُوقِ اللَّهِ... التَّعَاوُنُ عَلَى إِقَامَةِ الْحَقِّ بَيْنَهُمْ» (سید رضی، خطبه ۲۱۶)؛ از حقوق واجب خدا بر بندگان، یاری کردن یکدیگر برای برپایی حق در میان خود است بنا بر این اساس دین اسلام بر پایه اجتماع، پیوستگی و همبستگی فرد با جامعه است تا در مسیر زندگی و نیل به هدف تشریک مساعی کنند زیرا وجود فرد محدود و با هیئت مابینت خواهد داشت به همین قیاس آثاری که بر هیئت اجتماع مترتب می شود هرگز قابل قیاس با اثر محدود و ناچیز هر یک از افراد نخواهد بود، از این رو مسلمانان باید در انجام کارهای نیک پشتیبان یکدیگر باشند و افراد با یکدیگر ارتباط و اعتلاف یابند تا روح وحدت در کالبد آنان دمیده شود و از تفرقه و تشّت ایمن باشند (حسینی همدانی، ۱۴۰۴ ق، ۴: ۳۳۰). از مهم ترین چالش در جهاد علمی فردگرایی است،

درحالی که در سایه فعالیت‌های گروهی می‌توان به نتایج کامل‌تری دست یافت و موجبات رشد و پیشبرد جهاد علمی را فراهم نمود.

## ۶-۵. اِتلاف وقت با سرگرم شدن و تلاش در امور بیهوده

در قرآن و روایات از واژگان «لهو و لعب» برای مشغولیت‌های سرگرم‌کننده، امور باطل و بیهوده به کاررفته است. «لهو» آن چیزی است که انسان را از آنچه که برای او لازم و مهم است باز می‌دارد. از هر چیزی که زمانی طولانی لذت و تمتع می‌برند (راغب اصفهانی، ۱۳۸۷، ۳: ۱۶۴). «لعب» به معنای بازی از ریشه لعب که همان بزاق و آب دهان است گرفته شده و فعل آن «لعب-یلعب-لعبا» است؛ یعنی بزاق دهانش جاری شد؛ اما «لعب» به کسر (ع) در موقعی است که کسی کاری را بدون قصد و هدف و مقصد صحیحی انجام دهد مضارعش «یلعب» و مصدرش «لعباً» است (همان: ۱۳۵) بی‌شک پرداختن به این امور بازدارنده در علم‌آموزی و دانش‌پژوهی سد عظیمی است در مسیر پیشرفت جهاد علمی. قرآن کریم از ویژگی ممتاز بندگان برجسته خدا را دوری از لغو می‌داند: «وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا» (الفرقان: ۷۲)؛ و آنان که در مجلس غنا و دروغ‌پردازی و امور باطل حاضر نمی‌شوند و هنگامی که بر گفتار و کردار لغو می‌گذرند، با بزرگواری و متانت می‌گذرند. کلمه «لغو» به هر چیز بیهوده که بتوان آن را دور انداخت، گفته می‌شود (طبرسی، ۱۳۷۴، ۴: ۳۸۶).

«وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ» مراد از لغو مجالس معصیت و اعمال قبیحه و افعال و اقوال محرمة است. «مَرُّوا كِرَامًا» وقف نمی‌کنند و نگاه نمی‌نمایند و اعتناء ندارند و آن را نشنیده و نادیده می‌گیرند و می‌گذرند اگر کسی به آن‌ها جسارت، اهانت و بی‌احترامی نمود، در مقام تلافی بر نمی‌آیند. (طیب، ۱۳۷۸، ۹: ۶۵۹).

حتی یک لحظه اشتغال و سرگرمی به کارهای بیهوده انسان را از سیر و سلوک به‌سوی فضیلت و سعادت بازمی‌دارد و روان را تیره و صفا و نورانیت را که کسب نموده از دست خواهد داد. با توجه به این که آیه تبری و روگرداندن از کار لغو و بیهوده را شعار اهل ایمان معرفی نموده، از نظر ارتباط قلبی و توجه که به ساحت پروردگار دارند (حسینی همدانی، ۱۴۰۴ ق، ۱۱: ۲۳۵). همچنین امام

صادق (علیه السلام) فرمود: «إِيَّاكَ وَالذُّخُولَ فِيهَا لَا يَعْنيكَ فَتْنٌ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ۷۸: ۲۰۴)؛ از ورود به کارهای بی هدف و بیهوده دوری کن که ورود در آن کارها موجب ذلت و خواری تو گردد. امام علی (علیه السلام) نیز فرموده‌اند: «مَنْ اشْتَغَلَ بِغَيْرِ الْمُهْمِّ ضَيَّعَ الْأَهْمَّةَ» (تمیمی آمدی، ۱۳۸۸: ۷۹۸)؛ هر کس به کاری که مهم و ضروری نباشد مشغول گردد کار مهم و ضروری را ضایع کرده است. نتیجه اینکه اشتغال به امور بیهوده از جمله چالش‌هایی است که می‌تواند دامن گیر محقق و پژوهشگر علمی شود و او را از پیشبرد اهداف تعیین شده علمی دور نگهدارد؛ اما آموزه‌های دینی برای مقابله با این مانع برنامه دارد.

## ۶-۶. تأخیر در انجام کار

از دیگر چالش‌هایی که در روند پژوهشی یک مجاهد علمی قرار دارد وقت‌کشی، امروز و فردا کردن و تأخیر انداختن انجام برنامه‌های معین است. اسلام به وقت‌شناسی و ارج نهادن به زمان و استفاده حساب‌شده و به‌جا از آن، سفارش و تأکید فراوان نموده و آن را از نعمت‌های بزرگ خدا شمرده است تا جایی که در روز قیامت از آن بازخواست می‌شود، خداوند در سوره مبارکه تکوین ضامن نهی از تکثرگرایی می‌فرماید: «ثُمَّ لَتَسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ» (تکوین: ۸)؛ سپس حتماً از نعمت‌ها سؤال خواهید شد. بی‌شک عمر انسان یکی از آن نعمت‌هایی است که در مورد آن مورد بازخواست قرار خواهد گرفت. همچنین آنچه را که موجب اتلاف وقت می‌شود به‌عنوان لغو، باطل، افراط و به‌طور کلی بیهوده‌گرایی و پوچی، مورد نکوهش قرار می‌دهد، چرا که نابودی عالی‌ترین سرمایه زندگی را به دنبال دارد و بزرگ‌ترین آفت برای ارتقا و رشد یک برنامه‌هدفمند علمی انسان مجاهد است. سوگند خداوند تبارک و تعالی به زمان بیانگر ارج نهادن به لحظات گذران عمر انسان است. «وَالْعَصْرِ، إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ» (العصر: ۱، ۲)؛ قسم به زمان به‌درستی که انسان دستخوش زیان است. پس از سوگند بر وقت و زمان، از زیان کار بودن انسان که در طبیعت زندگی تدریجی نهفته است، سخن به میان آورده است؛ زیرا انسان با مدیریت نکردن بزرگ‌ترین سرمایه خود، یعنی عمر و زندگی در دنیا را به بیهودگی هدر داده است. استفاده شایسته و صحیح از وقت و انجام به‌موقع امور، موجب

ترقیات مختلف در ابعاد گوناگون خواهد شد تا زمانی که انسان در حرکت است سرمایه عمرش در حال سپری شدن است و قابل توقف نیست. برای این موجود خسران زده تنها یک راهکار و برنامه وجود دارد، «إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَّصَوْا بِالصَّبْرِ» (والعصر: ۳)؛ مگر کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند و توصیه به حق را پذیرفتند و کسانی که توصیه به صبر و شکیبایی را پذیرفتند. «الّا» از ادات استثناء هست. ایمان و عمل صالح در واقع همان بیداری از غفلت و اعلام برنامه جبران از این خسارت یا پروسه درمانی یادشده هست. این افراد در کنار گذران عمر به یک چیز بهتری دست می‌یابند. این دسته از انسان‌ها خسارت نمی‌بینند؛ پس انسان برای رهایی از اتلاف وقت طبق راهکار قرآن ضمن ایمان و عمل صالح توأسی به حق و توأسی به صبر داشته باشد.

امام رضا (علیه‌السلام) درباره ارزش سرمایه عمر و لزوم مواظبت از آن به نقل از پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) می‌فرماید: «كُنْ عَلَى عُمْرِكَ أَشَحَّ مِنْكَ عَلَى دِرْهَمِكَ وَدِينَارِكَ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ۷۴: ۷۸)؛ نسبت به حفظ عمرت حریص‌تر باش تا پول و ثروت. اسلام بر روی اهمیت زمان و چگونگی استفاده از آن تأکید ویژه دارد احادیث زیادی از معصومین (علیهم‌السلام) در خصوص شبانه‌روز، اولویت‌بندی کارها بر اساس اوقات، تقدم عبادات خداوند در اولویت زمانی و... وجود دارد. در فرمایشات امام علی (علیه‌السلام) به مالک اشتر نکاتی وجود دارد که مربوط به مدیریت زمان است. این نکات عبارت‌اند از:

الف) کارهای جاری روزمره نباید موکول به آینده شوند بلکه در همان روز باید به انجام برسند.

ب) اوقاتی که صرف امور جامعه می‌شود نیز در زمره عبادات الهی قرار خواهد گرفت.

ج) برای انجام کارهای اجتماعی حتی در امور عبادی باید زمانی متناسب در نظر گرفته شود و از تعجیل و یا تأخیر خودداری شود (مقیمی، ۱۳۹۴: ۱۸۲، ۱۸۰ به استناد نهج‌البلاغه، نامه ۵۳).

راه مقابله این رذیله را امام علی (علیه‌السلام) پاسخ می‌دهد: «إِذَا أَمَكَّنْتَ الْفُرْصَةَ

فَانْتَرِزْهَا؛ فَإِنَّ إِضَاعَةَ الْفُرْصَةِ غُصَّةٌ» (تمیمی آمدی، ۱۳۸۸: ۳۷۱، ح ۴۱۱۷)؛ هرگاه فرصت دست داد، آن را شکار کن؛ زیرا تلف کردن فرصت مایه اندوه است. همچنین در نامه‌ای به یکی از یارانش می‌نویسد: «باقی‌مانده عمرت را تدارک کن و نگو فردا و پس فردا؛ همانا پیش از تو کسانی هلاک شدند که روی آرزوها و تأخیر انداختن کارها ایستادند تا ناگهان امر خدا فرارسید، درحالی که آنان غافل بودند (برازش، ۱۳۹۴، ۱۳: ۴۶۶).

## ۶-۷. ناامیدی از شکست (پایین بودن آستانه تحمل)

یأس و ناامیدی از شکست اغلب باعث می‌شود فرد علاقه خود را به موضوعات مهم، فعالیت‌های علمی، رویدادها یا افراد از دست بدهد. وحشت و ترس از شکست خوردن به قدری عمیق و تأثیرگذار است که بسیاری از مردم، فقط برای جلوگیری از احتمال شکست تلاش نمی‌کنند. ریشه ناامیدی از شکست برمی‌گردد به کمبود خودباوری و خودکم‌بینی. ناامیدی زمانی گریبان‌گیر مجاهد علمی می‌شود که مراتب متعدد شکست خوردن در زندگی علمی را تجربه کرده باشد و فرد ناامید می‌شود. اگر فرد بخواهد به اهداف علمی دلخواه خود دست یابد تا زمانی که نتیجه حاصل نشده، از تلاش فاصله نمی‌گیرد. جهادگر علمی برای نیل به هدف خود نیازمند برنامه‌ها و مسیرهای متفاوت است تا موفقیت خویش را تضمین کند. اگر فرد فقط یک‌راه و برنامه برای هدف خود داشته باشد احتمال شکست خوردن خود را افزایش می‌دهد. یکی از رموز موفقیت، توانایی گذر از دالان‌های شکست و قرار دادن شکست به‌عنوان پایه‌ای برای پیروزی است. بدون آن که شور و اشتیاق نیل به هدف موردنظر را از دست بدهد ادامه کار برایش بسی دشوار خواهد بود؛ زیرا موفقیت با تکرار آزمایش و خطا حاصل می‌شود. شکست به انسان می‌آموزد که از آن‌پس هوشمندانه‌تر عمل کند. در طول تاریخ موفق‌ترین و بزرگ‌ترین انسان‌ها افرادی هستند که دچار شکست‌های پی‌درپی و سختی شده‌اند. رسیدن به هدف، بدون وجود موانع معنای خود را از دست می‌دهد. در پس پرده شکست‌های علمی، درس‌هایی به دست می‌آید. درس‌هایی که به انسان کمک می‌کند از اعماق ناامیدی به جسارت در عمل کردن دوباره نائل شود. رابرت شولر (کشیش و

سخنران انگیزشی) می‌گوید: «باید نبایدهای کهنه و فرسوده منفی اندیش را درهم فروپاشید و به وجود احتمالات و امکان‌پذیر بودن‌ها ایمان بیاورید. به‌طور حتم شخصی که به امکان‌پذیر بودن می‌اندیشد کسی است که چشم‌انداز مثبتی دارد و فرد مثبت اندیش به امکان‌پذیر بودن همه‌چیز اعتقاد دارد» (شولر، ۱۳۸۸: ۸۷)، در این صورت شکست برای پژوهشگر مفهومی ندارد. او می‌گوید: «من کلمه غیرممکن را از فرهنگ لغات خود حذف کرده‌ام، چون بخش تحلیل‌گر مغزم را کنار نگذاشته‌ام بلکه آن را تقویت کرده‌ام، به همین دلیل می‌گویم مفهوم غیرممکن را قبول ندارم» (همان، ۵۷). همچنین به فرزندانش می‌گوید: «با شکست و ناکامی خداحافظی کنند و به موفقیت سلام گویند» (همان، ۸۳).

در قرآن به مؤمنان هم فرمان به رجاء و هم نهی از یأس آمده است می‌فرماید: «يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا» (السجده، ۱۶)؛ پروردگارشان را با بیم و امید می‌خوانند؛ یعنی مؤمن کسی هست که هم از آینده ترس دارد و هم به آینده امیدوار است و از آنجا که رحمت خداوند بیکران است مؤمن امیدوار است. ناامیدی به این معناست که یا در قدرت خدا و یا در بیکران بودن رحمت او تردید دارد و می‌پندارد رحمت و قدرت او محدود است. این خیال و باور زمینه کفر را فراهم می‌کند، از این روی به‌عنوان کفر مطرح شده است. در آیه‌ای دیگری خداوند می‌فرماید: «إِنَّهُ لَا يَأْسُ مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ» (یوسف، ۸۷)؛ از فرج خدا نومید مشوید که جز گروه کافران از گشایش خدا نومید نمی‌شوند.

از آنجایی این صفت از جمله مهلکات و از گناهان کبیره هست در این آیه معلوم می‌شود که یأس از رحمت الهی موجب کفر است و علاج آن تحصیل ضد آن است و ضد آن رجاء، یعنی امیدواری که عبارت است از انبساط و سرور دل به جهت انتظار امر محبوبی، به شرط آن که آدمی بسیاری از اسباب رسیدن به محبوب را تحصیل کرده باشد. مثل انتظار رسیدن گندم برای کسی که تخم بی‌عیبی را به زمین قابلی که آب به آن نشیند افشانده و آن را در وقت خود آب‌داده؛ اما توقع چیزی که هیچ‌یک از اسباب آن را فراهم نکرده باشد آن را رجاء نگویند، بلکه غرور و حماقت نامند. چون انتظار گندم از برای کسی که

تخم آن را نکاشته و یا در زمین شور و بی‌آب کاشته باشد معلوم است که چنین کسی انتظار گندم را به‌جز غرور و حماقت نیست (قمی، ۱۳۸۸: ۲۳).

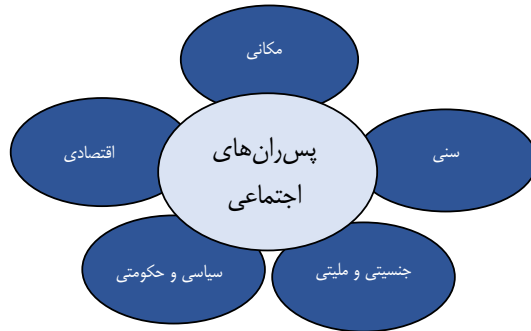
امام علی (علیه‌السلام) در مناجات شعبانیه فرمود: «إِلَهِي لِمَ أَسَلْتُ عَلَى حُسْنِ ظَلَمِي فَنُوطَ الْإِيَّاسِ وَلَا انْقَطَعَ رَجَائِي مِنْ جَمِيلِ كَرَمِكَ» (قمی، ۱۳۹۰: ۲۸۶)؛ الهی! نومیدی و یأس را بر گمان نیکم به تو چیره نمی‌گردانم و امیدم را از بزرگواری و بخشش زیبای تو، نمی‌برم. امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) در بخشی از این روایت می‌فرماید: «لَا يَرْجُونَ أَحَدًا مِنْكُمْ إِلَّا رَبَّهُ وَلَا يَخَافَنَّ إِلَّا ذَنْبَهُ» (رضی، ۱۳۷۹، ۳۸۳: ح ۸۲)؛ هیچ‌یک از شما جز به پروردگار خود امید نبندد. چه این که امیدواری به خداوند متعال موضوعی است که در آیات الهی و روایات نورانی اهل بیت (علیهم‌السلام) بسیار بر آن تأکید شده و از آن به تعبیر «رجاء» یاد شده است.

## ۷. چالش‌ها و موانع اجتماعی مؤثر در عدم پیشبرد جهاد علمی

هرچند پاره‌ای از چالش‌های فردی همچون تعصب، غرور علمی و ناامیدی از شکست در قالب اجتماعی هم متبلور است اما اساسی‌ترین چالش‌های اجتماعی را می‌توان انواع پس‌ران‌های اجتماعی نام برد.

### ۷-۱. پس‌ران‌های اجتماعی در بستر جهاد علمی

یکی دیگر از چالش‌هایی که یک مجاهد علمی با آن مواجه است وجود پس‌ران‌های اجتماعی در بستر جهاد علمی است. هرچند امروزه با ظهور فناوری و رشد و توسعه رسانه بسیاری از این پدیده‌های اجتماعی نقض شده است؛ اما وجود عواملی همچون روحیه استکباری نظام‌های سلطه باعث قوت بخشی چالش‌هایی نوظهور می‌شوند و حیات علمی و حتی فیزیکی دانشمندان و محققان علمی را به مخاطره می‌اندازند، حتی دست به تخریب مراکز علمی، پژوهشی و قتل و کشتار دانشمندان علمی می‌پردازند. این پدیده مخرّب اجتماعی در جوامع مسلمانان به‌وضوح قابل مشاهده است. درحالی‌که دین اسلام با عواملی که دانش‌افزایی را به عقب می‌راند نه تنها مبارزه می‌کند بلکه عموم مردم و مجاهدان عرصه دانش را به تولید و تحصیل علم و معرفت ترغیب و تأکید می‌نماید. مهم‌ترین این پس‌ران‌های اجتماعی در ذیل (شکل ۱) اشاره می‌شود:



شکل ۱. پسران‌های اجتماعی در بستر جهاد علمی

پیامبر (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ أَلَا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ بُعَاةَ الْعِلْمِ»؛ دانشجویی بر هر مسلمانی واجب است همانا خداوند دانش‌جویان را دوست دارد (کلینی، بی تا، ۱: ۳۵). در این روایت به لحاظ اجتماعی هیچ‌گونه مرزی برای دانش‌افزایی قائل نشده است نه مرز جنسیتی و نه مرز قومی و قبیله‌ای، بلکه کسب دانش را برای همه افراد اجتماع مخصوصاً جامعه مسلمانان واجب شمرده است. «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ بُعَاةَ الْعِلْمِ» به معنای از هم گسیختن مرزهای قوم و قبیله‌ای در بستر دانش‌اندوزی است. خداوند دوست دارد هر قشری از افراد اجتماع که جوینده دانش باشد. از آن طرف، دین اسلام بستر زمانی را برای هر دانش‌پژوهی باز گذاشته و قائل به محدودیت زمانی نیست، بلکه از گهواره تاگور را زمان فراگیری دانش اعلام کرده است. استفاده بهینه از زمان، از رحمت‌های واسعه الهی است که «جنس انسان» را به بهره‌گیری از آن ترغیب نموده است. چنانچه رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: «أُطَلِّبُوا الْعِلْمَ مِنَ الْمَهْدِ إِلَى اللَّحْدِ» (طوسی، ۱۴۱۶ ق: ۲۴۶). گاه لازم است که دانش‌پژوه مرزهای جغرافیایی را در نوردد و ماه‌ها و سال‌ها در خارج از شهر و خانه و کاشانه خود به سر برد و به تحقیق و تفحص در خصوص کشف یک حقیقت علمی پردازد و در این راه سختی‌های مضاعفی را متحمل شود. سفرهای علمی «ابن قولویه» از محدثین مشهور و بلندآوازه شیعی به شهرها حتی کشورهای مختلف جهت

استماع حدیث از مشایخ برای تألیف کتاب کامل الزیارات خود گواه این مطلب است.

پس با توجه به روایات فوق اسلام ضمن این که قیود زمان و مکان را مانع فراگیری دانش نمی‌داند بلکه برای هر یک از قیود نامبرده شده برنامه دارد. در حدیثی دیگری از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) آمده: «أَطْلُبُوا الْعِلْمَ وَلَوْ بِالصَّيْنِ»؛ دانش را فراگیرید اگرچه چین باشد (حزعاملی، ۱۳۷۲، ۲۷: ۲۷). دامنه طلب علم و دانش اندوزی در این روایت بسیار گسترده است زیرا رسول خدا نه از علم خاصی نام برده و نه از مکان خاصی و همه علوم حتی فیزیک و شیمی و ریاضی و سایر علوم طبیعی را در برمی‌گیرد و با نام بردن دورترین نقطه جغرافیایی جهان آن زمان، محدودیت مکانی برای علم‌آموزی را ملغی اعلام می‌کند. خداوند در سوره حشر فرمود: «فَسئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»؛ (نحل: ۴۳) پس اگر نمی‌دانید از آگاهان (اهل کتاب) پرسید. کلمه ذکر مفهوم گسترده‌ای دارد. «ذکر» به معنای حفظ چیزی و یا استحضار آن است. هر چیزی که آدمی به وسیله آن حفظ شود و یا مستحضر گردد؛ اما در اینجا منظور از ذکر وحی نبوت و کتاب‌های نازل شده بر انبیاء و گروندگان به این کتاب‌ها است. «اهل الذکر» اهل کتاب‌های آسمانی، همان دانشمندان هستند که تخصصشان در علم آن کتاب و عمل به شرایع آن است. آن‌ها اهل خبره و عاملین به آن علم‌اند پس دیگران باید به آن‌ها مراجعه کنند (طباطبایی، ۱۳۶۶، ۱۲: ۳۸۲-۳۸۳). بر اساس نظر مفسران مصداق اهل ذکر، اهل البیت (علیهم السلام) هستند. در آیه مزبور هم بدون در نظر گرفتن قید مکان و زمان با مراجعه به دانایان فرمان علم‌آموزی صادر شده است.

## ۲-۲. بوروکراسی اداری

بوروکراسی نوعی نظام اداری است که در آن پابندی به مقررات اداری زیاد است و در مفهوم منفی، پابندی به مقررات دست‌وپا گیر و کاغذبازی است. بوروکراسی جلوی فعالیت و عمل را می‌گیرد. نوعی نظام حکومتی که در آن، ادارات و سازمان‌ها به وسیله افراد غیر حزبی یا غیر وابسته اداره می‌شود و در انتخاب آن‌ها فقط به تخصص توجه می‌شود (انوری، ۱۳۸۱، ۲: ۱۰۶۰). بوروکراسی اداری

یکی دیگر از چالش‌های خسته‌کننده‌ای است که در مسیر تحقیق و پژوهش یک مجاهد علمی وجود دارد. سربازدن و زیر پا گذاشتن از قوانین توسط زبردستان و فرادستان، وجود قوانین و مقررات رسمی پیچیده و خشک و بازدارنده حاکم بر ادارات ذی‌ربط و بعضاً عدم شایستگی فنی و تخصصی و انعطاف‌ناپذیری کارکنان ادارات ذی‌ربط، موجب خستگی و گاه بیزاری پژوهشگر برای ادامه کار می‌گردد. اگر بوروکراسی خوب مدیریت نشود مشکلات عدیده‌ای پدید می‌آید که باعث کاغذبازی و کند شدن تصمیم‌گیری و ناکارآمدی و ناتوانی برای ایجاد تغییر در سازمان خواهد بود (مقیمی، ۱۳۹۳: ۸۹). بوروکراسی به صورت یک نظام، برای سازمان‌دهی مؤسسات اداری و خدماتی ارائه شده است. مترادف بوروکراسی در ادبیات فارسی همان «دیوان‌سالاری» است. نظام اداری یا حکومتی که در آن به مقررات و ضوابط موجود به شدت توجه می‌شود. بوروکراسی، افزایش تعداد سازمان‌های دولتی با ایجاد دیوان‌سالاری، کارایی دولت را کاهش می‌دهد (انوری، ۱۳۸۱، ۴: ۳۴۹۵). در جامعه امروزی این واژه به معنای فساد اداری یا کاغذبازی و رشوه‌گیری به کاررفته گرفته می‌شود. رعایت تشریفات اداری به حد افراط، تشریفات زائد کاغذبازی و مقررات اضافی و خسته‌کننده چنین معنایی را دربر می‌گیرد. بوروکراسی از نظر توده مردم، مفهومی منفی و انتقادپذیر دارد و انواع کاغذبازی و کندی جریان امور اداری، در ذهن عموم مردم امروزی تداعی می‌شود. درحالی‌که در اسلام هدف رسیدن انسان تا مرحله خلافت و نیل به لیاقت جانشینی خداوند در زمین مطرح شده است لذا بوروکراسی به معنای امروزی ماهیتاً با اهداف اسلامی به‌ویژه خلافت انسان در زمین مغایرت دارد و به‌عنوان یک نظام خشک و دست‌وپاگیر اقشار مختلف جامعه را آزار می‌دهد خصوصاً مانع پیشرفت مخصوصاً پیشرفت علمی است.

قسمت‌های زیادی از نامه امیرالمؤمنین به مالک‌بن‌حارث اشتر نخعی، هنگامی که او را فرمانروای مصر قرار داد تا خراج آنجا را گردآورد و با دشمنانش پیکار کند و کار مردمش را به صلاح آورد، بیانگر همین موضوع است. این نامه یک «اساسنامه راهبردی» است برای اصول حکومتی و مدیریتی و عمل به آن توسط هر مسئولی و در هر سطحی از عالی‌ترین مناصب حکومتی تا

مدیریت‌های رده پایین افق بازتری می‌دهد و مرزهای بوروکراسی را درمی‌نوردد (رضی، ۱۳۷۹: نامه ۵۳ نهج البلاغه).

### ۷-۳. از خود بیگانگی

این پدیده که بیشتر جوامع توسعه‌نیافته مبتلا به آن هستند در قرآن و روایات به‌طور مستقیم به آن اشاره نشده لیکن معلول عواملی است که به شکل کلی به آن توجه خاص شده است. خداوند به‌صراحت فرمان داده است: «فَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا» (فرقان: ۵۲)؛ زنهار، مطیع کافران مشو و با آنان جهاد کن جهادی بزرگ. در این آیه به‌طور شفاف آورده شده است، نه تنها نباید تابع و مطیع آنان باشی بلکه با آنان به جهاد برخیز. مقصود جهاد فکری و فرهنگی علیه کفار است، نه جنگ و قتال با آن‌ها. جنگ هست اما جنگ با اندیشه و فکر. در این میان بی‌شک قرآن تنها اسلحه نرم است؛ زیرا قرآن «تَبَيَّنَا لِكُلِّ شَيْءٍ» (نحل: ۸۹) است. سراسر استدلال و برهان است. تأثیرگذار و عزت‌آفرین است. جذب نیروهای بیگانه شدن یا به‌اصطلاح امروزی، «فرار مغزها» بزرگ‌ترین چالش و دردناک‌ترین خطری هست که جامعه علمی جوامع اسلامی را تهدید می‌کند. فراز مغزها در بیشتر زبان‌های بیگانه به معنای به‌سوی خود کشیدن یا جذب مغزهای متفکر و نخبگان است.

دانش‌پژوهان و نخبگان علمی همچون سایر منابع ملی با ارزش‌اند، مانند نفت و گاز و غیره ذخایر طبیعی یک جامعه هستند با این تفاوت که منابع و ذخایر ملی روزی به اتمام می‌رسد؛ اما ژن‌های باهوش علمی سرمایه و ثروتی هستند که نه تنها تمام نمی‌شوند بلکه تکثیر می‌شود، اما در محیطی مساعد و مناسب. فراز مغزها علل و دلایل متعدد فردی و اجتماعی دارد که شاخص‌ترین آن‌ها توطئه تبلیغاتی کشورهای توسعه‌یافته، ضعف ایمان، داشتن روحیه خوش‌گذرانی و عشرت‌طلبی، ضعف نفس، فقدان تعهد لازم نسبت به افراد جامعه است که در این خصوص براهین فراوانی در آموزه‌های دینی وجود دارد. بررسی این براهین در این مقال نمی‌گنجد و تنها به‌عنوان یک نوع چالش در پیشبرد جهاد علمی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

از طرفی در قرآن و روایات ائمه معصومین (علیهم‌السلام)، بارها نسبت به

سرسپردگی انسان نسبت به غیر خدا و خود فراموشی تذکر داده شده می‌فرماید: «بِتَسْمَا اشْتَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ»؛ بگو آنچه را که به آن خود را فروختند بد چیزی است (بقره: ۹۰). «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (الحشر: ۱۹)؛ و همچون کسانی نباشید که خدا را فراموش کردند و خدا نیز آن‌ها را به «خود فراموشی» گرفتار کرد، آن‌ها فاسقان‌اند. در بینش قرآنی، خود فراموشی و خود بیگانگی و به‌صورت مطلق، مورد نکوهش واقع شده است. بسیاری از انسان‌ها، خود حقیقی را فراموش کرده یا از آن غافل شده‌اند، در واقع خود حقیقی را فروخته و در ذات خویش دچار زیان شده‌اند. انسانی که دیگری را خود پنداشته، خود حقیقی را مورد غفلت قرار داده است و غفلت از خود حقیقی رشد ندادن بلکه انحطاط بخشیدن به آن یعنی خود زیانی.

امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) به‌صراحت از بیگانگان و گرفتار شدن در دام بیگانه اعلان انزجار می‌کند و این پدیده را سوارشدن بر مرکب گمراهی می‌پندارد و می‌فرماید: «اتَّخَذُوا الشَّيْطَانَ لِأَمْرِهِمْ مَلَكَاً وَ اتَّخَذَهُمْ لَهُ أَشْرَكَاً فَبَاضَ وَفَرَخَ فِي صُدُورِهِمْ وَ دَبَّ وَ دَرَجَ فِي حُجُورِهِمْ فَنَظَرَ بِأَعْيُنِهِمْ وَ نَطَقَ بِأَلْسِنَتِهِمْ فَرَكِبَ بِهِمُ الزَّلْزَلُ وَ زَيْنَ لَهُمُ الْخَطْلُ، فِعْلٌ مِّنْ قَدِّ شَرِكَةِ الشَّيْطَانِ فِي سُلْطَانِهِ وَ نَطَقَ بِالْبَاطِلِ عَلَى لِسَانِهِ» (رضی، ۱۳۷۹: ۵۳، خ ۷)؛ شیطان را معیار کار خود گرفتند و شیطان نیز آن‌ها را دام خود قرار داد و در دل‌های آنان تخم گذارد و جوجه‌های خود را در دامانشان پرورش داد. با چشم‌های آنان می‌نگریست و با زبان‌های آنان سخن می‌گفت. پس با یاری آن‌ها بر مرکب گمراهی سوار شد و کردارهای زشت را در نظرشان زیبا جلوه داد، مانند رفتار کسی که نشان می‌داد در حکومت شیطان شریک است و با زبان شیطان، سخن باطل می‌گوید. کما این که امام صادق (علیه‌السلام) از زبان پدران‌ش روایت نموده: «إِنَّ اللَّهَ فَوَّضَ إِلَى الْمُؤْمِنِ الْأُمُورَ كُلَّهَا وَ لَمْ يَفَوِّضْ إِلَيْهِ أَنْ يَكُونَ ذَلِيلًا». خداوند تمام امور مؤمن را به خودش واگذار نموده ولی ذلت را به او تفویض نکرد (طبرسی، ۱۳۷۹: ۱۷۹). ارتباط این آیات و روایات با چالش از خودبیگانگی در این است که پیشرفت علمی، بایستی با نگاه بومی و با تکیه بر فرهنگ و قدرت ایمانی نشئت گرفته از خدا و قدرت ملی جامعه اسلامی باشد. کار علمی مجاهد علمی طبق آیات و احادیث فوق خود فراموشی

و خود بیگانگی مجاهد علمی تحقیر و ذلت به دنبال دارد نه بزرگی و عزت. در همین راستا رهبر انقلاب به عدم پیروی همیشگی از غرب را جایز ندانسته و در دیدار نخبگان و اساتید علمی در خصوص ضرورت دستیابی به خودکفایی علمی فرمودند: نباید ما در مسئله‌ی علم، واگن خودمان را به لوکوموتیو غرب ببندیم. البته اگر این وابستگی ایجاد شود، پیشرفت‌هایی پیدا خواهد شد؛ در این شکی نیست؛ لیکن دنباله‌روی، نداشتن ابتکار، زیر دست بودن معنوی، لازمه‌ی قطعی این چنین پیشروی است؛ و این جایز نیست» (آیت... خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۰۷/۰۳).

## ۸. نتیجه‌گیری

جهاد علمی تلاش مضاعف همراه با تحمل دشواری‌ها جهت کشف مجهولات علمی و زیرساخت یک تحول فرهنگی است که در قرآن به‌عنوان «جهاد کبیر» نام‌برده شده است. وجود چالش‌های فردی مثل تعصب بی‌جا در عدم پذیرش آراء و نظریات علمی و معقول، پیش‌داوری‌های بدون تعمق در یافته‌های علمی، غرور علمی و چالش‌های اجتماعی مثل عوامل غیراصولی و از خودبیگانگی در فرایند کشف حقایق گاهی مانع پیشرفت انجام کار می‌شوند و گاهی هم سرعت انجام کار را دشوار و گاهی هم کند می‌کند. بالطبع حمل این شاخصه‌های منفی توسط مجاهد علمی بر روند پیشبرد اهداف جهاد علمی تأثیر منفی و گاه بازدارنده دارد و در کاهش تلاش مضاعف مجاهد علمی و در تقلیل میزان موفقیتش نقش بسزا دارد. در این مقاله ضمن بررسی چگونگی تأثیرگذاری منفی وجود این چالش‌ها بر جوامع اسلامی، راه‌های مقابله و مدافعه آن‌ها با بهره‌گیری از آیات و روایات به روش توصیفی تحلیلی و با استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای مورد بررسی قرار گرفته و علاوه بر موارد فوق نتایج زیر حاصل خواهد گشت:

- با توجه به اهمیت جهاد علمی در قرآن و احادیث وجود چالش‌ها در پیشبرد اهداف جهاد علمی کتمان‌ناپذیر است.
- قرآن و ائمه معصومین (علیهم‌السلام) برای مانع‌زدایی و مقابله با هر یک از چالش‌ها برنامه‌های معقول و منسجمی ارائه نموده‌اند.

- به همین موازات داشتن اعتماد و اطمینان قلبی و «توجه راهبردی» مجاهدان علمی نسبت به فرمان‌های الهی و احادیث ائمه معصومین (علیهم‌السلام) راهگشا و حائز اهمیت بوده است.
- برخی از این موانع مطابق با فرمان‌های الهی و احادیث به شکل فردی قابل حل و برخی دیگر به شکل اجتماعی توسط سازمان‌های ذی‌ربط علمی و مجامع عمومی قابل رفع و دفع می‌باشند.
- کشف این موانع و راه‌های مقابله با آن گام مؤثری است در جهت شکوفایی استعدادها، پیشرفت، اقتدار، تعالی جوامع اسلامی و نیل به استغنا و خودکفایی علمی.
- مقابله با این چالش‌ها باعث می‌شود تا با سرعت بیشتری از مرزهای کنونی دانش در جامعه اسلامی عبور کرد.
- ضمن فتوحات علمی، قدرت عزت و سلطه علمی بر جامعه اسلامی در سطح جهانی فراهم گردد.
- از همه مهم‌تر گام مؤثری خواهد بود در جهت پیاده کردن منویات مقام معظم رهبری در راستای بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی.

## منابع

- \* قرآن کریم.  
\* نهج البلاغه.
- ۱- ابن منظور، محمدابن مکرم، (۱۴۱۴ ق). لسان العرب، چاپ ۳، بیروت، نشر دار صادر.
  - ۲- انوری، حسن، (۱۳۸۱). فرهنگ بزرگ سخن، تهران، نشر سخن.
  - ۳- برازش، علیرضا، (۱۳۹۴). تفسیر اهل بیت (علیهم السلام)، تهران، نشر امیرکبیر.
  - ۴- تمیمی آمدی، عبدالواحدبن محمد، (۱۳۸۸). غررالحکم و دررالکلم، ترجمه: لطیف راشدی و سعید راشدی، چاپ ۱، قم، نشر پیام علمدار.
  - ۵- جوادی آملی، (۱۳۷۷). عبدالله، تفسیر موضوعی، چاپ ۱، قم، نشر اسراء.
  - ۶- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۹۱). مفاتیح الحیات، چاپ ۵۲، قم، نشر اسراء.
  - ۷- حاکم نیشابوری، (بی تا). محمد ابن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، لبنان، بیروت، المكتبة العصرية.
  - ۸- حرّ عاملی، محمدبن حسن، (۱۳۷۲). وسائل الشیعة، تهران، الاسلامیه.
  - ۹- حسینی همدانی، (۱۴۰۴ ق). انوار درخشان، محقق: بهبودی محمد باقر، تهران، نشر لطفی.
  - ۱۰- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷). لغت نامه دهخدا، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
  - ۱۱- راغب اصفهانی، حسین ابن محمد، (۱۳۸۷). المفردات فی الفاظ القرآن، ترجمه: مصطفی رحیمی نیا، چاپ دوم، مؤسسه فرهنگی آرایه، نشر سبحان.
  - ۱۲- راغب اصفهانی، حسین ابن محمد، (۱۳۹۵). المفردات فی الفاظ القرآن، ترجمه: حسین خداپرست، تهران، نشر نوید اسلام.
  - ۱۳- رامیار، محمود، (۱۳۸۹). تاریخ قرآن، چاپ ۹، تهران، نشر امیرکبیر.
  - ۱۴- رضایی اصفهانی، محمدعلی و رستم نژاد، مهدی، (۱۴۰۰). جهاد علمی از منظر قرآن و بیانیه گام دوم انقلاب، دو فصلنامه علمی قرآن و علم، د ۱۵، ش ۲۹.
  - ۱۵- زمخشری، محمود بن عمر، (۱۳۸۹). تفسیر کشاف، تهران، نشر ققنوس.
  - ۱۶- ساجدی، اکبر؛ نعمتی، جواد و عرفانی راد، سید محسن، (۱۳۹۳). اقتدار علمی در اندیشه سیاسی اسلام، مطالعات انقلاب اسلامی، س ۱۱، ش ۳۷، صص ۱۱۹-۱۴۰.
  - ۱۷- شولر، رابرت، (۱۳۸۸). موقفت را پایانی نیست؛ شکستی وجود ندارد، ترجمه: مهدی قراچه داغی، تهران، نشر البرز.
  - ۱۸- طباطبایی، سید محمد حسین، (۳۶۶). تفسیر المیزان، ترجمه: سید محمد باقر موسوی همدانی، چاپ دوم، قم، بنیاد علمی فکری علامه طباطبایی.
  - ۱۹- طبرسی، علی بن حسن، (۱۳۷۹). مشکاه الانوار فی غرر الاخبار، ترجمه محمدی عبدالله، قم، نشر دارالثقلین.
  - ۲۰- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۴). ترجمه تفسیر جوامع الجامع، ترجمه: احمد امیری شادمهری، مشهد، نشر بنیاد پژوهش های اسلامی.
  - ۲۱- طوسی نصیرالدین، محمدبن محمد، (۱۴۱۶ ق). آداب المتعلمین، محقق: سید محمد رضا

- حسینی جلالی، چاپ ۱، شیراز، نشر مدرسه علمیه امام عصر (عج).
- ۲۲- طیب، سید عبدالحسین، (۱۳۸۷). *أطیب البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، نشر اسلام.
- ۲۳- فراتی، عبدالوهاب، (۱۳۸۱). *انقلاب اسلامی*، چالش‌ها و بحران‌ها، قم، نشر معارف.
- ۲۴- فیض کاشانی، محمد محسن، (۱۴۱۵ ق). *تفسیرالصافی*، تهران، نشر الصدر.
- ۲۵- قمی، شیخ عباس، (۱۳۸۸). *المقامات العالیه*، خلاصه معراج السعاده، چاپ ۲، قم، نشر نهاوندی.
- ۲۶- قمی، شیخ عباس، (۱۳۹۰). *مفاتیح الجنان*، چاپ ۱۸، قم، نشر آیین دانش.
- ۲۷- کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق، (بی تا). *اصول کافی*، قم، نشر مسجد.
- ۲۸- کیان‌خواه، احسان و ساری، حسین، (۱۳۹۷). *شناخت عوامل سازنده جهاد علمی منجر به استحکام ساخت درونی قدرت ملی*، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی، د ۸، ش ۳۰، صص ۱۲۱-۱۴۸.
- ۲۹- مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ ق). *بحارالانوار*، محقق، مصحح: جمعی از محققان، چاپ ۲، بیروت، نشر دار إحياء التراث العربی.
- ۳۰- مطهری، مرتضی، (۱۳۶۸). *ده گفتار*، چاپ پنجم، تهران، نشر صدرا.
- ۳۱- مقیمی، سیدمحمد، (۱۳۹۳). *مبانی سازمان و مدیریت*، چاپ ۱، تهران، نشر راه دان.
- مقیمی، سیدمحمد، (۱۳۹۴). *اصول و مبانی مدیریت از دیدگاه اسلام*، چاپ ۱، تهران، نشر نگاه دانش.
- ۳۲- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*، چاپ اول، تهران، نشر دارالکتب الاسلامیه.
- ۳۳- هاشمی خانعباسی، سیدعلی و نوروز ولاشدی، رضا، (۱۳۹۶). *جهاد علمی در دانشگاه تراز انقلاب اسلامی از دیدگاه قرآن کریم با تاکید بر تفسیرالمیزان*، مطالعات قرآنی، س ۸، ش ۳۲، صص ۱۴۱-۱۵۷.
- ۳۴- وایت، میشل، (۱۳۷۷). *شخصیت‌های ماندگار (گالیلئو گالیلئو)*، ترجمه: شهناز مرتضوی میلانی، تهران، نشر جاده ابریشم.
- ۳۵- ورنر زد، هیرش و لوک ای ویر، (۱۳۸۱). *چالش‌های فراروی آموزش عالی در هزاره سوم*، ترجمه: یوسفیان املشی، تهران، دانشگاه حسین (علیه السلام).

36- <https://hawzah.net>

37- <https://rasekhoon.net>

## References

- \* The Holy Qur'an.
- \* Nahj al-Balagha.
- 1- Al-Hakim Nishaburi, (n.d). Muhammad Ibn Abdullah, Al-Mustadrak ala al-Sahihain, vol. 3, Lebanon, Beirut, al-Maktabah al-Asriyah.
- 2- Al-Hurr al-Amili, Muhammad bin Hasan, (1372). Wasa'il al-Shi'a, Tehran, Al-Islamiya.
- 3- Al-Kulaini, Abu Jaafar Mohammad bin Yaqub bin Ishaq, (n.d). Usul Al-Kafi, Qom, Masjid publication.
- 4- Al-Majlisi, Muhammad Baqir, (1403 AH). Bihar al-Anwar, researcher and proofreader: a group of researchers, 2nd edition, Beirut, Ihya al-Turath al-Arabi Publishing House.
- 5- Al-Qommi, Abbas, (1388). Al-Maqamat al-Aaliya, summary of Mi'raj al-Saadah, 2nd edition, Qom, Nahavandi publishing house.
- 6- Al-Qommi, Abbas, (1390). Mafatih al-Jinan, 18th edition, Qom, Ayin Danesh publication.
- 7- Al-Raghib al-Isfahani, Hussein Ibn Muhammad, (1387). Al-Mufardat fi Alfaz al-Qur'an, translated by: Mustafa Rahiminia, 2nd edition, Arayeh Cultural Institute, Sobhan Publishing House.
- 8- Al-Raghib al-Isfahani, Hussein Ibn Muhammad, (1395). Al-Mufardat fi Alfaz al-Qur'an, translated by: Hossein Khodaparast, Tehran, Navid Islam Publishing House.
- 9- Al-Tabarsi, Ali bin Hasan, (1379). Mishkat al-Anwar fi Ghurar al-Akhbar, translated by: Mohammadi, Abdullah, Qom, Dar al-Thaqalain.
- 10- Al-Tabarsi, Fazl bin Hasan, (1374). Translation of Tafsir Jawami' al-Jami', translated by: Ahmad Amiri Shadmehri, Mashhad, Islamic Research Foundation.
- 11- Al-Tamimi Al-Amidi, Abdul Wahid bin Muhammad, (1388). Ghurar al-Hikam wa Durar al-Kalim, translated by: Latif Rashidi and Said Rashidi, 1st edition, Qom, Payam Alamdar Publishing.
- 12- Al-Tousi Nasiruddin, Muhammad bin Muhammad, (1416 AH). Adaab al-Muta'allimin, researcher: Seyyed Mohammad Reza Hosseini Jalali, 1st edition, Shiraz, Imam Asr (AS) Seminary publishing house.
- 13- Al-Zamakhshari, Mahmoud bin Omar, (1389). Tafsir Al-Kashshaf, Tehran, Qoqnoos publication.
- 14- Anvari, Hasan, (1381). Farhang Bozorg Sokhan, Tehran, Sokhan Publishing House.
- 15- Barazesh, Alireza, (1394). Tafsir of Ahl al-Bayt (AS), Tehran, Amir Kabir Publishing House.
- 16- Dekhoda, Ali Akbar, (1377). Dekhoda Dictionary, Tehran, Tehran University Press.
- 17- Fayz Al-Kashani, Mohammad Mohsen, (1415 AH). Tafsir al-Safi, Tehran, Al-Sadr Publishing house.
- 18- Furati, Abdul Wahhab, (1381). Islamic Revolution, Challenges and Crises, Qom, Maarif Publishing house.
- 19- Hashemi Khan Abbasi, Seyyed Ali; Norouz Valashdi, Reza, (1396). Scientific Jihad at Ideal University of the Islamic Revolution from the Perspective of the Holy Qur'an with an emphasis on Tafsir al-Mizan, Qur'anic Studies, Issue 8, vol. 32, pp. 141-157.
- 20- Hosseini Hamdani, Muhammad (1404 AH). Anwar Derakhshan, researcher: Beh-

- bodhi Mohammad Baqer, Tehran, Lotfi Publishing House.
- 21- Ibn Manzoor, Muhammad Ibn Mukarram, (1414 AH). Lisan al-Arab, 3rd edition, Beirut, published by: Dar Al-Sadir.
- 22- Javadi Amoli, Abdullah, (1377). Tafsir Tasnim, 1st edition, Qom, Isra Publishing House.
- 23- Javadi Amoli, Abdullah, (1391). Mafatih al-Hayat, 52nd edition, Qom, Isra Publishing House.
- 24- Kiankhah, Ehsan; Sari, Hossein, (1397). Knowing the factors of scientific jihad leading to the strengthening of the internal construction of national power, Scientific Research Quarterly of Interdisciplinary Knowledge-Strategic Studies, Issue 8, No. 30, pp. 121-148.
- 25- Makarem Shirazi, Nasir (1374). Tafsir Nomooneh, 1st edition, Tehran, Dar al-Kutub al-Islamiyeh publishing house.
- 26- Moghimi, Seyyed Mohammad, (1394). Fundamentals of Organization and Management, 1st edition, Tehran, Rahdan publication.
- 27- Moghimi, Seyyed Mohammad, (1394). The Principles and Foundations of Management from the Perspective of Islam, 1st edition, Tehran, Negah Danesh publication.
- 28- Motahhari, Morteza, (1368). Ten Speeches, 5th edition, Tehran, Sadra Publishing House.
- 29- Ramyar, Mahmoud, (2008). History of the Qur'an, 9th edition, Tehran, Amir Kabir Publishing House.
- 30- Rezaei Isfahani, Mohammad Ali and Rostamnejad, Mahdi, (1400). Scientific Jihad from the perspective of the Qur'an and the statement of the second step of the revolution. Two Scientific Quarterly Journals, Qur'an and Science, Issue 15, No. 29.
- 31- Sajdi, Akbar; Nemati, Javad; Erfanirad, Seyyed Mohsen, (1393). Scientific Authority in Islamic Political Thought, Islamic Revolution Studies, Issu. 11, vol. 37, pp. 119-140.
- 32- Shuler, Robert, (1388). Success has no end; There is no failure, translated by: Mahdi Karachedaghi, Tehran, Alborz publishing house.
- 33- Tabatabai, Seyyed Mohammad Hossein, (1366). Tafsir al-Mizan, translated by: Seyyed Mohammad Baqir Mousavi Hamdani, 2nd edition, Qom, Allameh Tabatabai Scientific and Intellectual Foundation.
- 34- Tayyib, Seyyed Abdul Hussein, (1387). Atyab al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an, Tehran, Islam Publishing House.
- 35- Werner Z., Hirsch and Luke E. Weber, (1381). Challenges Facing Higher Education in the Third Millennium, translated by: Yousefian Amlashi, Tehran, Imam Hossein (AS) University.
- 36- White, Michelle, (1377). Lasting Characters (Galileo Galileo), translation: Shahnaz Mortazavi Milani, Tehran, Silk Road Publishing.

## Websites

- 1- <https://hawzah.net>
- 2- <https://rasekhoon.net>